

طرح تغییر مسیر اروند رود و حقوق بین‌الملل

نیلوفر حق‌شناس کاشانی
دکتر اصغر جعفری ولدانی

مقدمه*

دولت عراق پس از برقراری آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح چندین بار اعلام کرده است که در نظر دارد جریان آب اروندرود را تغییر دهد. **صدام حسین** در جلسه‌ای با حضور گروهی از فرماندهان نظامی از جمله **ژنرال عدنان خیرالله** وزیر دفاع و وزیر صنایع این کشور، در اواخر شهریورماه 1367 گفت: «برای ما امکان دارد مسیر شط‌العرب (اروندرود) را تغییر دهیم».¹ چند روز بعد نیز **طه یاسین رمضان** معاون نخست وزیر عراق در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی «القبس» اعلام کرد که کشورش قصد دارد مجرای شط‌العرب را به سوی سرزمین داخلی عراق منحرف کند تا راه آبی دو

*. این مقاله قبل از پذیرش مجدد عهدنامه 1975 توسط عراق تهیه شده است.

1. روزنامه جمهوری اسلامی، 30 شهریور 1367.

بندر خرمشهر و آبادان مسدود گردد. همچنین **عصمت کتانی** نماینده عراق در سازمان ملل گفت که اگر ایران و عراق در مورد اروندرود به توافق نرسند، عراق از آبراهی که در خاک خود حفر کرده است استفاده خواهد کرد. وی گفت این طرح هزینه‌های زیادی دربردارد و برای هر دو کشور ابلهانه است، زیرا انحراف آب به داخل آبراه جدید سطح آب را کاهش خواهد داد و استفاده از بنادر ایران غیرممکن خواهد شد. وی اضافه کرد اما اگر عراق ناچار شود، این کار را انجام خواهد داد.²

به‌موجب طرح مذکور، عراق در نظر دارد که اروندرود را حدود 20 کیلومتر از مرز ایران دور کند و آن را به‌صورت یک رودخانه داخلی عراق درآورد. به‌طوری‌که در نقشه ملاحظه می‌شود در غرب اروندرود، خور زبیر قرار دارد که از خلیج فارس شروع می‌شود و تا نزدیکیهای بندر بصره در شمال پیش می‌رود. عراقیها برای مرتبط کردن این خور با بندر بصره آبراهی به عرض 8 متر و عمق 25 پا حفر

2. رادیو بی. بی. سی.، مورخ 5 آبان ماه 1367.

کرده اند. در کنار این خور، بندر کوچک زبیر قرار دارد. طبق طرح مذکور عراقیها در نظر دارند آبراه مذکور را توسعه داده، آن را جایگزین اروندرود کنند. همچنین به موجب این طرح عراقیها در نظر دارند بندر زبیر را نیز توسعه داده، آن را به بندر اصلی خود تبدیل کنند. در حال حاضر کشتیهای کوچک تا ظرفیت 20 هزار تن در این ترعه رفت و آمد میکنند. عراق پس از برقراری آتشبس شروع به صدور نفت خود از طریق این آبراه نموده است. کشتیهای کوچک برای بارگیری نفت وارد بندر زبیر میشوند و پس از بارگیری، محموله های خود را به نفتکشهای بزرگ که قادر به حرکت در خور زبیر نیستند در خلیج فارس تحویل میدهند.

در این مقاله ابتدا مشکلات مربوط به اجرای طرح مذکور و هدف عراق از اجرای آن بررسی خواهد شد. سپس مغایرت طرح عراق با عهدنامه مرزی و حسن همجواری 1975 و پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه ای بین ایران و عراق منضم به عهدنامه مذکور مورد بحث قرار خواهد گرفت.

1

مشکلات اجرای طرح عراق و اهداف آن

به نظر می‌رسد که اجرای طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود نه تنها مشکلی را برای آن کشور از نظر کشتیرانی و دسترسی به خلیج فارس حل نخواهد کرد، بلکه به نوبه خود مشکلات دیگری به وجود خواهد آورد. در زیر به برخی از مهمترین این مشکلات اشاره خواهد شد:

1. شیب زمین در ناحیه مورد بحث بسیار کم است. بنابراین اگر عراق بخواهد مسیر آبراه را تغییر دهد باید ساحل‌سازی زیادی در اطراف آن صورت گیرد که هریک از این ساحل‌سازیه‌ها هزینه‌های بسیار سنگینی برای عراق در بردارد. از نظر زمین‌شناسی هم باید در نظر گرفت که ناحیه اروندرود دارای خاک رس بسیار سنگین است و کار کردن در آن بسیار مشکل.³

3. آبراه جدید همان مشکلات اروندرود را از قبیل کمی عمق آب خواهد داشت و به

3. روزنامه کیهان، 26 مهرماه 1367.

همین سبب رفت و آمد نفتکشها و کشتی‌های بزرگ در آن امکان‌پذیر نخواهد بود. حتی در صورت لایروبی اروندرود نیز عبور کشتی‌های بیش از 20 هزار تن ممکن نخواهد بود. هزینه لایروبی اروندرود بسیار سنگین و تقریباً برابر هزینه احداث آبراه جدید است. با شروع جنگ عراق علیه ایران تعداد زیادی از کشتی‌هایی که در بنادر اروندرود لنگر انداخته بودند مورد حمله قرار گرفتند و غرق شدند. علاوه بر آن سالانه حدود 35 میلیون تن رسوبات وارد اروندرود می‌شود و در صورتی که به‌طور مداوم لایروبی نشود، این رسوبات آن را غیرقابل کشتیرانی می‌کند.

4

از طرف دیگر، آبراه جدید با کمی آب نیز مواجه خواهد بود، زیرا بیش از نیمی از آب اروندرود به تنهایی از ایران تأمین می‌شود. در این میان، رود کارون بزرگترین رود ایران از نظر حجم آب است که به اروندرود می‌ریزد. جمع آب دجله و فرات در «قرفه» برابر 1500 متر مکعب در ثانیه و مقدار آب کارون که به اروندرود

4. همان مأخذ.

می‌ریزد برابر 800 متر مکعب در ثانیه است.⁵ بنابراین در صورت تغییر مسیر اروندرود، آب رودخانه کارون دیگر وارد آبراه جدید نخواهد شد.

4. احداث مسیر جدید نه تنها از مشکلات موجود بین عراق و کویت کم نخواهد کرد، بلکه بر آن خواهد افزود. انتهای آبراه جدید و یا مصب آن به آبهای تحت حاکمیت کویت ختم می‌شود و کشتی‌های عراقی باید برای ورود به خلیج فارس از آبهای کویت بگذرند. کشتی‌هایی که به بندر ام‌القصر در انتهای این آبراه واقع شده است، رفت و آمد می‌کنند در حال حاضر با این مشکل روبرو هستند. بندر ام‌القصر عراق را جزایر و ربه و بوبیان کویت احاطه کرده است. دولت عراق بارها اعلام کرده که این وضع موجب عدم دسترسی آزادانه عراق به خلیج فارس می‌گردد،⁶ و به همین جهت خواستار آن بوده که کویت جزایر مذکور را به عراق واگذار کند و

5. سرهنگ مهندس علی دانشور: شناخت اروندرود از نظر جغرافیایی طبیعی، سازمان جغرافیایی کشور، 1352، ص 15.

6. ر.ک. به اصغر جعفری ولدانی: «اختلافات عراق با کویت و سوریه»، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره 24، 15 آذر 1367، ص 17 و 18.

یا به آن کشور به صورت 99 ساله اجاره دهد. عراق گاهی نیز خواستار آن بوده است که کویت چهار کیلومتر از غرب جزایر وربه و بوبیان را که در کنار خور صبیبه واقع شده به عراق واگذار کند؛ اما دولت کویت علی‌رغم فشارهای زیاد عراق تاکنون با درخواستهای مذکور موافقت نکرده و مشکل عدم دسترسی آزادانه عراق به آبهای خلیج فارس همچنان برجای مانده است. در صورت احداث آبراه جدید مسلماً بر فشارهای عراق به کویت افزوده خواهد شد و این امر در روابط دو کشور مشکلاتی پدید خواهد آورد، به‌ویژه که مسئله درخواست کویت از عراق مبنی بر تأمین آب شیرین مورد نیاز آن کشور با احداث آبراه جدید جامه عمل خواهد پوشید. کویت سالها است که از عراق درخواست احداث يك خط لوله انتقال آب شیرین از اروندرود به خاك خود داشته است؛ اما دولت عراق این امر را موکول به اعطای امتیازات ارضی از جمله واگذاری جزایر وربه و بوبیان به آن کشور کرده است. کویت در حال حاضر همچنان در رد درخواستهای عراق مصرّ است و بنابراین با توجه به برآورده شدن

تقاضاي قديمي خود از طرف عراق، در تنگناهاي بيشتري قرار خواهد گرفت.

5. با ساخته شدن کشتي‌هاي بزرگ با ظرفيت بين 300 تا 500 هزار تن و نيز ظهور نفتکشهاي غولپيکر، اصولاً عراق نياز شديدي به ارونرود و يا احداث آبراه جديد ندارد، زيرا کشتي‌هاي بزرگ نه در ارونرود مي‌توانند رفت و آمد کنند و نه در آبراه جديد. سالها است که ارونرود اهميت گذشته خود را از نظر بازرگاني و صدور نفت براي عراق از دست داده است. در حال حاضر، نفت عراق به‌طور عمده از طريق چند خط لوله از خاک ترکيه و عربستان و مقداري هم از طريق بندر زبير صادر مي‌گردد. بيشتري کالاهي مورد نياز عراق نيز از راههاي ترانزيت برخي از کشورهاي همسايه وارد مي‌شود. بنا بر اين ايجاد آبراه جديد به‌منظور جايگزيني ارونرود نه تنها از نظر اقتصادي فاقد اهميت است بلکه به گفته نماينده عراق اقدامي است ابلهانه. به‌طورکلي عراق از نظر اقتصادي وابستگي به ارونرود ندارد و هدف آن را از تغيير مسير اين آبراه صرفاً سياسي است.

به نظر می‌رسد که هدف عراق از طرح تغییر جریان آب اروندرود با توجه به زمان ارائه این طرح (مذاکرات صلح ایران و عراق) بیشتر به منظور تحت فشار قراردادن ایران است تا به این طریق ایران با اعطای حق حاکمیت مطلق عراق بر این آبراه بین‌المللی موافقت نماید. به عبارت دیگر، دولت عراق با طرح مسئله مذکور قصد به دست آوردن امتیاز دارد و می‌خواهد آنچه را که در مدت هشت سال جنگ نتوانسته است به دست آورد، اکنون در مذاکرات صلح به دست آورد.

از طرف دیگر، دولت عراق می‌خواهد با انجام این طرح خود را از تنگناهایی که در آن قرار گرفته است رهایی بخشد. مقامات عراقی قبل از شروع جنگ بکرات ادعای حاکمیت مطلق بر اروندرود را نمودند و برای تحقق این امر، عهدنامه مرزی و حسن همجواری 1975 را به طور یکجانبه لغو و تجاوز خود را به جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. اکنون مقامات عراقی باید پس از هشت سال جنگ پاسخ قانع‌کننده‌ای برای مردم خود و جهان عرب داشته باشند.

2

مغایرت طرح تغییر مسیر اروندرود با عهدنامه 1975

طرح دولت عراق برای تغییر مسیر اروندرود ناقض عهدنامه مرزی و حسن همجواری 1975 بین ایران و عراق می‌باشد. بدیهی است لغویکجانبه عهدنامه مذکور توسط دولت عراق در 17 سپتامبر 1980 به هیچ‌وجه از نظر دولت ایران قابل قبول نیست و مقامات مسئول ایران بارها بر اعتبار عهدنامه فوق و سه پروتکل منضم به آن و چهار موافقتنامه تکمیلی تأکید کرده‌اند. همچنین جنگ تحمیلی هیچ‌گونه تأثیری بر اعتبار عهدنامه مذکور ندارد. از طرف دیگر، حقوق بین‌الملل نیز لغویکجانبه عهدنامه‌های مرزی را تحت هیچ عنوان مجاز نمی‌داند. دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه اختلاف پره‌ویهر⁷ بین کامبوج و تایلند در 15 ژوئن 1962 اعلام نمود:

7. Preach Vihear.

« به‌طور کلی وقتی دو کشور، مرزی را بین خود تعیین می‌کنند، یکی از هدف‌های اولیه آنها رسیدن به ثبات و قطعیت است. حال اگر بتوان در مورد مرزی که به این ترتیب تعیین می‌شود، هر لحظه تردید کرد و هر وقت اشتباهی در یکی از مواد معاهده کشف گردید خواهان تغییر آن شد، در این صورت، رسیدن به هدف مذکور غیرممکن است».⁸

به‌موجب بند 2 ماده 62 کنوانسیون وین 1969 حقوق معاهدات نیز عهدنامه‌های مرزی را به‌هیچ عنوان نمی‌توان لغو کرد. بنابراین عهدنامه 1975 همچنان از نظر دولت ایران و طبق اصول و مقررات حقوق بین‌الملل معتبر است. عهدنامه 1975 تغییر یکجانبه مسیر اروندرود را به هیچ‌وجه مجاز نمی‌داند. ماده 5 عهدنامه مذکور به‌صراحت اعلام می‌دارد:

«در قالب غیرقابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت،

8. اصغر جعفری ولدانی: بررسی تاریخ اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1367، ص 513 و 514.

طرفین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر، دائمی و قطعی می‌باشد».

به موجب بند 2 ماده 2 پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق که منضم به عهدنامه 1975 می‌باشد، خط مرزی در اروندرود فقط در یک مورد می‌تواند تغییر پیدا کند و آن در اثر تغییرات ناشی از علل طبیعی در مسیر اصلی قابل کشتیرانی خواهد بود. زیرا آب اروندرود در بهار بالا می‌آید و 10 کیلومتر در خاک دو کشور پیش می‌رود و این موجب تغییر مرز می‌شود. به موجب بند 5 ماده 2 پروتکل مذکور، طرفین متعهدند که در صورت تغییر مرز به علل طبیعی مذکور خط مرزی دو کشور را به هزینه طرفین به بستری که در سال 1975 (بستر اصلی) داشته است برگردانند.

به موجب پروتکل مذکور تغییر مصنوعی مرز دو کشور در اروندرود به هیچ وجه امکان ندارد مگر اینکه دو کشور در این مورد یک موافقتنامه خاص منعقد نمایند.

بند 2 ماده 2 پروتکل فوق‌الذکر به‌صراحت اعلام می‌دارد:

«خط مرزی به‌نحوی که در بند 1 فوق تعریف شده با تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی تغییر خواهد نمود. خط مرزی بر اثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد مگر آنکه طرفین متعاهدین موافقتنامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند».⁹

بنابراین به‌موجب پروتکل مذکور اولاً هرگونه تغییر مصنوعی در مسیر یا بستر رودخانه باید با توافق و به‌طور مشترک انجام گیرد؛ ثانیاً تغییرات مصنوعی مورد بحث در چارچوبی بسیار محدود – حداکثر به بازگرداندن مسیر جدید به بستر اصلی – پیش‌بینی شده است. لذا شکی نیست که طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود

9. در بند 1 ماده 2 پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق آمده است: «خط مرزی در شط‌العرب از نقطه‌ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شط‌العرب می‌رسد تا دریا مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پایین‌ترین سطح قابلیت کشتیرانی را طی می‌کند».

مخالف صریح مفاد عهدنامه مرزی 1975 می‌باشد.¹⁰

البته دولت عراق ادعا می‌کند که ایجاد آبراه جدید به مفهوم تغییر مسیر اروندرود، و یا به عبارت بهتر، تغییر مرز ایران و عراق نیست و خط تالوگ در اروندرود همچنان مرز دو کشور خواهد بود؛ اما از آنجا که دولت عراق اعلام کرده است که اگر ایران با حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود موافقت نکند، طرح مذکور را به مورد اجرا خواهد گذارد، بنابراین هدف واقعی عراق از این امر، تغییر مرز می‌باشد. گذشته از آن، طرح عراق برای انحراف آبهای اروندرود با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز مغایرت دارد.

3

طرح تغییر مسیر اروندرود ناقض حقوق بین‌الملل

10. دکتر داود حرمیداس باوند: «تغییر مسیر اروندرود و چگونگی ارتباط آن با اجرای قطعنامه 598»، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره 23، 15 آبان 1367، ص 6 و 7.

اروندروود، رود بزرگی است که از به هم پیوستن دو رود دجله و فرات در محلی به نام «قرفه» تشکیل می‌شود و پس از عبور از بصره، در محل نهرخین در جنوب شلمچه به مرز ایران می‌رسد. از اینجا تا خلیج فارس اروندروود به طول 81 کیلومتر مرز مشترک ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. بنابراین اروندروود که یک رودخانه بین‌المللی است و مقررات حقوق بین‌الملل بر آن حاکم است. طبق ماده 33 قرارداد ورسای، رودخانه بین‌المللی عبارت از رودخانه‌ای است که قابل کشتیرانی باشد و حداقل دو کشور از طریق آن با آبهای آزاد ارتباط داشته باشند. اروندروود نیز قابل کشتیرانی است و ارتباط دو کشور ایران و عراق را با دریای آزاد برقرار می‌کند.

اصول و مقررات حقوق بین‌الملل تغییر مسیر رودخانه‌های بین‌المللی را منع کرده است؛ بنابراین طرح عراق برای انحراف مسیر اروندروود با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز مغایرت دارد. برای بررسی موضع حقوق بین‌الملل در مورد تغییر مسیر رودها باید صلاحیت ارضی کشوری که رود از

سرزمین آن می‌گذرد و نیز استفاده سایر کشورهای ساحلی يك رودخانه بین‌المللی را مورد توجه قرار داد. در این رابطه، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا صلاحیت هر دولتی در استفاده از آبهای جاری در سرزمین خود به نحو مطلق است یا این صلاحیت حدودی دارد؟ به عبارت دیگر، آیا دولت‌ها می‌توانند در مورد رودخانه‌های بین‌المللی هر اقدامی که خواستند انجام دهند بدون اینکه نتایج اقدامات خود را نسبت به سایر دولتهای ساحلی رودخانه در نظر بگیرند؟ یعنی آیا يك دولت ساحلی می‌تواند با انجام اقدامات خود به دولتهای ساحلی دیگر خسارت وارد کند بدون اینکه مکلف به جبران خسارت وارده باشد؟ برای پاسخ دادن به این سؤال باید عقاید علمای حقوق بین‌الملل، رویه قضایی بین‌المللی و تصمیمات متخذه در کنفرانسهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد.

عقاید علمای حقوق بین‌الملل

عقاید علمای حقوق بین‌الملل در مورد صلاحیت دولت‌ها نسبت به رودخانه‌های

بین‌المللی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- اصل حاکمیت سرزمینی مطلق؛¹¹
- اصل تمامیت ارضی مطلق؛¹²
- اصل استفاده مشترک از آبها؛¹³
- اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها.¹⁴

الف. اصل حاکمیت سرزمینی مطلق:

به‌موجب این اصل، آن قسمت از رود بین‌المللی که در سرزمین دو کشور جریان دارد به عنوان آبهای داخلی تلقی می‌شود و دولت مذکور می‌تواند جریان آب را منحرف سازد و یا به هر صورت که ضروری بداند در رودخانه دخالت نماید. **هایتن** در این مورد می‌گوید:

«هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه می‌توانند جهت بهره‌برداری از آب رودخانه به تنهایی جریان آب رودخانه را منحرف کنند».¹⁵

11. The Principle of absolute Territorial Sovereignty.

12. The Principle of absolute Territorial integrity.

13. The Principle of a Community in Waters.

14. The Principle of Restricting the Free use of the Waters.

15. Carretson, A.H. Hayton, R.D. Olmstead, C.Y. eds: The Law of Int'l Drainage Basins, (N.Y. University School of law, 1967, p. 24).

اصل حاکمیت مطلق که به «دکترین هارمون» نیز معروف است در روابط بین دولتها ایجاد هرج و مرج می‌کند. علاوه بر آن، اصل مذکور برخلاف عدالت و انصاف می‌باشد و به همین جهت توسط حقوقدانان مورد انتقاد قرار گرفته است. به عنوان مثال، **فوشیل** به تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار داده و تأکید نموده است که کشور ساحلی رودخانه نمی‌تواند به اقدامی مبادرت کند که منجر به تغییر مسیر رود گردد و یا در جریان آزاد آب رودخانه مانعی به وجود آورد. وی در این مورد می‌گوید:

«هیچ کشور ساحلی نمی‌تواند محل ورود رود را به سرزمین کشور ساحلی دیگر، بدون رضای آن کشور تغییر دهد. چنین امری به منزله تغییر سرزمین آن کشور است.»

لوترپاخت نیز همین نظر را دارد و هرچند حقوق حاکمیت هر کشور را در حوزه رودخانه در داخل سرزمین خود تأیید می‌نماید لکن هرگونه اقدامی را که موجب

وارد شدن خسارت به کشورهای ساحلی دیگر رودخانه گردد، غیرقانونی می‌شمارد. **لوتر پاخت** در این مورد به صراحت اظهار می‌دارد:

«جریان رودهای بین‌المللی تحت تسلط و اختیار دلخواه هیچ‌یک از دولتهای ساحلی رودخانه نیست و براساس اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی اجازه ندارد که وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان وضع طبیعی سرزمین دولت همسایه تغییر دهد. به این دلیل، دولتها نه فقط از متوقف ساختن یا تغییر دادن مسیر رودی که از سرزمین آنها به اراضی دولت همسایه جاری است مجاز نیستند، بلکه استفاده از آب آن به نحوی که برای دولت همجوار زیان داشته باشد یا مانع بهره‌برداری از رودخانه گردد، غیرقانونی است».¹⁶

به‌طورکلی در حال حاضر اصل حاکمیت مطلق یک کشور بر روی رودخانه توسط اندیشمندان حقوق بین‌الملل و دولتها رد شده است. امروزه اصول و مقررات حقوق

16. Oppenheim L.: Int'l Law, Vol. 1 (Pearce), H. Lauter Pacht (London, 1955), p. 474.

بین‌الملل وجود چنین حقی را که کشوری بتواند وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان کشور دیگر تغییر دهد نمی‌کند. به‌موجب اصول حقوق بین‌الملل هیچ کشوری نباید جریان طبیعی آب رودخانه‌ای را که برحسب طبیعت از سرزمین او به سرزمین کشور دیگر جاری است، متوقف یا منحرف سازد و نباید به‌نحوی که موجب اضرار کشور همجوار گردد از آن استفاده کند یا او را از استفاده معمول از آن رودخانه در سرزمین خود باز دارد. دولت‌ها نیز در موارد مختلف با قراردادهایی که میان خود منعقد کرده‌اند، اصول مذکور را در عمل پذیرفته‌اند.

ب. اصل تمامیت ارضی مطلق:

به‌موجب این اصل، دول ساحلی رودخانه‌ها موظفند که اجازه دهند جریان طبیعی آب رودخانه‌ها ادامه یابد و به هیچ‌وجه حق ندارند موجبات انحراف آب رودخانه‌ها را فراهم نمایند. **ماکس هوبرو** اوپنهایم از طرفداران این اصل هستند. اوپنهایم در این مورد می‌نویسد:

«تغییر دادن جریان آبهاي مشترك تحت اختیار یکی از دول مجاور آب نیست. زیرا این يك قاعده بين المللي است که هیچ دولتي نمیتواند وضع طبيعي کشور خود را به نحوي تغییر دهد که موجب زیان کشور مجاور گردد؛ مثلاً جریان آب رودخانه‌اي را که در کشور همسایه جریان دارد متوقف و یا منحرف نماید».¹⁷

ماکس هوبر نیز با اوپنهایم هم عقیده است و به دولتهایی که به اتکای حاکمیت مطلق بر سرزمین خود به منافع سایر دولتها زیان وارد می‌کنند تاخته است. نظر وی هرگونه تغییر مسیر رودها که به حقوق مکتسبه دول دیگر زیان وارد نماید، غیرقانونی است.

ج. اصل استفاده مشترك از آبهاژ

به موجب این اصل، کشورهایی که در ساحل يك رودخانه بين المللي واقع شده اند نسبت به آن رودخانه دارای حق حاکمیت

17. همان مأخذ، ص 475. همچنین رك. به منوچهر گنجی: حقوق بين الملل عمومي، انتشارات دانشگاه تهران، 1348، ص 252.

مشترك هستند. به عبارت دیگر، تمام کشورهای مذکور می‌توانند از آب رودخانه به‌طور متساوی استفاده کنند.¹⁸ براساس اصل مذکور، یک رودخانه بین‌المللی بدون توجه به مرزهای مابین کشورها - یک واحد اقتصادی محسوب می‌گردد و آب آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی است.¹⁹

مریگ ناک²⁰ در این مورد می‌گوید که وقتی رودی بین‌المللی از سرزمین چند کشور می‌گذرد، تابع حقوق مالکیت و حاکمیت کشورهای مذکور است و هر کشوری در اعمال حقوق خود، باید حقوق سایر کشورها را نیز در نظر داشته باشند.

د. اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها:

به‌موجب این اصل، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه با توجه به وظایفی که آنها طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، محدود است. به عبارت دیگر، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به کشور ساحلی دیگر است. **اسمیت** حقوقدان انگلیسی

18. Cheshire: The Law of Real Property, London-Butter Worth, 1962, p. 293.

19. Carreston, op. cit. p. 18.

20. Merig Nhac.

که تحقیقات گسترده‌ای در این مورد انجام داده معتقد است که حاکمیت و صلاحیت ملل محدود به وارد نیاوردن خسارت می‌باشد. وی اظهار می‌دارد که هیچ یک از دول ساحلی رودخانه حق ندارند از آب رودخانه بدون مشورت با دول مجاور به طریقی استفاده کنند که موجب وارد آمدن خسارت به منافع قانونی دول مذکور گردد.²¹

کاراتدوری²² یکی دیگر از حقوقدانان معتقد است که دولتها هیچ‌گونه دخالتی در پیدایش رودها نداشته‌اند و بنابراین نمی‌توانند بر آن حاکمیت مطلق داشته باشند و با تغییر مسیر آن موجبات وارد آوردن ضرر و خسارت به دول دیگر را فراهم آورند.

امروزه اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی و یک واقعیت جهان کنونی پذیرفته شده است. بررسی قراردادهای بین‌المللی، عقاید علمای حقوق بین‌الملل، احکام دادگاههای بین‌المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمانهای بین‌المللی بیانگر آن است که

21. Smithe H.A. : The Economic use of the Int'l River, London, king 1951, p. 159.

22. Carathodory.

دولتها دیگر به هیچوجه اصل حاکمیت ارضی مطلق را قبول ندارند و در مورد رودخانه‌های بین‌المللی براساس اصل محدودیت استفاده از آنها رفتار می‌کنند. در قسمتهای بعدی، احکام صادره از دادگاههای بین‌المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمانهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

رویه‌های قضائی

رویه‌های قضائی داخلی:

گرچه رودهایی که از دو یا چند ایالت یک کشور می‌گذرند در زمره رودهای بین‌المللی محسوب نمی‌شوند، لکن با توجه به اینکه آرای صادره از محاکم داخلی مشابه با آرای قضائی بین‌المللی است، اشاره مختصری به آرای مذکور بی‌فایده نخواهد بود به‌ویژه که این آرا در تصمیمات سازمانهای بین‌المللی بی‌تأثیر نبوده است. در اینجا به چند رأی صادره از دادگاه عالی فدرال سوئیس، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا و دیوان عالی آلمان اشاره خواهیم کرد.

شاید یکی از نخستین آرایه‌ها که در مورد انحراف آب رودخانه‌ها در کشورهای اروپایی صادره شده است مربوط به کشور سوئیس باشد. دادگاه عالی فدرال سوئیس در اختلافی که بین کانتون زوریخ و کانتون شاف هازن - دو کانتون از کشور سوئیس - در این مورد به وجود آمده بود، طی رأی مورخ 12 ژانویه 1878 خود انحراف آب رودخانه‌ها را غیرقانونی اعلام نموده است.

اما در این مورد آرای صادر از دیوان عالی ایالات متحده آمریکا بسیار جالب توجه است. دعوی ایالت کانزاس علیه ایالت کلرادو که در سال 1901 در دیوان عالی ایالات متحده آمریکا مطرح شد، نخستین دعوی در مورد انحراف آب رودخانه‌ها در ایالات متحده آمریکا بود که در دیوان مذکور مورد رسیدگی قرار گرفت. مورد اختلاف مربوط به رودخانه آرکانزاس بود که بین دو ایالت مذکور جریان دارد. ایالت کانزاس به طرفیت ایالت کلرادو در مورد انحراف آب رودخانه آرکانزاس به دیوان عالی ایالات متحده آمریکا شکایت کرد. دادگاه در سال

1907 اعلام نمود که اصل تساوی حقوق و انصاف بین دو ایالت «آنها را از دخالت در جریان آب رودخانه بازمی‌دارد».²³ این رأی در حقوق بین‌الملل به صورت سابقه درآمده و در موارد بسیاری توسط حقوقدانان مورد استناد قرار گرفته است.²⁴

همچنین دیوان عالی ایالات متحده امریکا در اختلاف بین ویومینگ²⁵ و کلورادو - دو ایالات متحده امریکا - در سال 1922 اعلام کرد:

«ادعای ایالت کلورادو مبنی بر اینکه حق دارد با توجه به اینکه یک ایالت به‌شمار می‌رود، بنا بر تشخیص خود و بدون توجه به زیانی که در نتیجه اعمال خود متوجه دیگران می‌شود، آبهایی را که در سرزمینش جاری است تغییر مسیر دهد و از آن بهره‌برداری کند، مسموع نیست».

23. Green, H. Hack Warth: Digest of Int'l Law, Washington, 1940, Vol. 1, p. 580-81.

24. Majd khadravi: Major Middle Eastern Problems in Int'l Law, Washington, 1975, p. 109.

25. Wyoming.

رأی مذکور در دعوی ایالات کانکتیکوت²⁶ به طرفیت ماساچوست در سال 1930 و در بسیاری موارد دیگر مورد استناد قرار گرفته و امروزه به صورت یک قاعده حقوق بین الملل مورد پذیرش عموم واقع شده است.²⁷

مسئله انحراف آب رودخانه‌ها در دیوان عالی آلمان نیز مطرح شده است. دیوان عالی آلمان در سال 1927 در دعوی بین ایالت ورتمبرگ²⁸ بر ایالت بادن - دو ایالت از جمهوری آلمان - در مورد انحرافی که در مورد جریان آب رودخانه توسط ایالت بادن صورت گرفته بود، اعلام کرد:

«دولتها باید به جریان طبیعی آب تن در دهند و هر دولت ساحلی وظیفه دارد که منافع سایر دولتها را مراعات نماید و به آنها زیانی وارد نکند».²⁹

26. Connecticut.

27. James Simsarian: The Diversion of Waters Affecting the United States and Canada, American Journal of Int'l Law, Vol. 32, 1958, pp. 488-518.

28. Wurttemberg.

29. Carretson, op. cit., p. 19.

رویه قضائی بین‌المللی:

دولت آلمان در نامه‌ای به وزرای
مختار خود در لندن و پاریس در سال 1862
در مورد رودخانه موز³⁰ می‌نویسد:

«این رودخانه بین هلند و بلژیک مشترک
است و هر یک از دولتهای مذکور در
بهره‌برداری از آب این رودخانه حق
دارد، اما در این مورد هر دو دولت
موظفند از انجام اقداماتی که موجب
زیان به دولت دیگر گردد، اجتناب
کنند».³¹

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی
نیز در مورد انشعاب آبهای رودخانه موز
در رأی مورخ 28 ژوئن 1937 خود، مداخلاتی
را که در مورد انشعاب آبهای رودخانه
مذکور بدون موافقت دولتین بلژیک و هلند
صورت گرفته بود، غیرقانونی اعلام کرد.
رود موز از فرانسه سرچشمه می‌گیرد و پس
از عبور از کشورهای هلند و بلژیک، به
دریای شمال می‌ریزد.

30. Meuse.

31. Carretson, op.cit., p. 25.

همچنین دیوان عالی آلمان در اختلاف مربوط به رود دانوب در رأی مورخ 18 ژوئن 1927 خاطرنشان نمود که هیچ دولتی حق ندارد با استفاده از آبهای یک مجرای طبیعی آب، به منافع دولت دیگر زیان و خسارت وارد سازد.

به طور کلی رویه قضایی بین‌المللی، دو اصل اساسی زیر را در مورد تغییر مسیر رودخانه‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار داده است:

1. هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود، بدون مشورت با دولتهای دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه‌حلهای معقول، اقدام به تغییر مسیر رودها نماید.

2. هر دولتی که به‌نحوی در جریان آب رودخانه دخالت کند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر شود، مسئول خسارات وارده خواهد بود.

**تصمیمات متخذه در نهادها و
کنفرانسهای بین‌المللی
انستیتوی حقوق بین‌الملل:**

این انستیتو در مورد محدودیت حق حاکمیت کشورها بر آب رودخانه‌های بین‌المللی تأکید نموده و معتقد است که هیچ دولتی نمی‌تواند بدون جلب موافقت دولت یا دولتهایی که در استفاده از آب رودخانه سهم هستند، مسیر رود را تغییر دهد و موجب وارد شدن خسارت به دول ساحلی دیگر شود. انستیتوی مذکور در اجلاس سال 1911 خود در مادرید تصریح نمود:

«هیچ دولتی نمی‌تواند بدون جلب رضایت دولت دیگر و بدون کسب مجوز قانونی مخصوص و معتبر توسط شرکتها یا اشخاص، تغییراتی در رودخانه به‌وجود آورد و یا از انجام چنین اقداماتی جلوگیری نکند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر گردد. هیچ دولتی حق ندارد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط اشخاص یا شرکتها در سرزمین خود به‌نحوی از آب رودخانه بهره‌برداری کند که به‌بهره‌برداری مستقیم یا غیرمستقیم دولتهای دیگر زیان برساند».³²

32. Institute of Int'l Law, Yearbook, 1911, Vol. 24, p. 365.

این مؤسسه همچنین می‌افزاید:

«بستر رودخانه که در مرزهای دو کشور جاری است، چه طبیعی باشد و چه در زمانی غیرمعلوم ایجاد شده باشد، به وسیله سازمانهای هیچیک از دو دولت، بدون جلب رضایت دیگری، قابل تغییر نیست».³³

انستیتوی حقوق بین‌الملل همچنین در کنفرانس سالزبورگ طرحی در مورد «بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبهای بین‌المللی» در سال 1961 ارائه کرد که در ماده 4 آن گفته شده است: بهره‌برداری دول از آب رودخانه‌ها نباید به نحوی باشد که موجب وارد شدن زیان و خسارت به دول دیگر گردد. در این ماده اضافه شده است: در صورتی که دولتی با انجام چنین اقداماتی به دولت دیگر خسارت وارد نماید باید غرامت آن را بپردازد.³⁴

اعلامیه مونته و ویدئو 1933:

33. Ibid.

34. Colombos, C.J. : Int'l Law of the Sea, London, 1964, p. 230.

در این اعلامیه تأکید شده که حق بهره‌برداری از آب رودخانه مشروط بر آن است که موجب وارد شدن خسارت به دولت ساحلی دیگر نشود. در این اعلامیه اضافه شده است: مسیر هیچ رودی را که موجب وارد شدن خسارت به دولتی دیگر گردد نمی‌توان بدون جلب موافقت آن دولت تغییر داد.

این اعلامیه در واقع، اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها را مورد تأیید قرار داده است.

مؤسسه حقوق بین‌الملل:³⁵

این مؤسسه از زمان جنگ جهانی دوم تلاشهای گسترده‌ای در جهت تنظیم اصل ممنوعیت انحراف آب رودخانه‌ها به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل به‌عمل آورده است. نتیجه بررسی‌ها و مطالعات مؤسسه مذکور در کنفرانس هلسینکی در اوت 1966 تحت عنوان «مقررات مربوط به بهره‌برداری از رودهای بین‌المللی» مورد تصویب قرار گرفت که به مقررات هلسینکی نیز معروف است. به‌موجب مقررات مذکور اگر دولتی

35. Int'l Law Association.

مسیر رودهای بین‌المللی را به زیان دولتی دیگر تغییر دهد، مسئول کلیه اعمال خود خواهد بود. همچنین اگر دولتی در نظر داشته باشد که طرحهای جدیدی را در رودخانه به مورد اجرا گذارد و یا تغییراتی در آن بدهد که به زیان دولتهای دیگر باشد، باید قبلاً با آن دولتها مذاکره کرده، موافقت آنها را جلب نماید. در صورت عدم جلب موافقت دولت دیگر، اقدامات یکجانبه انجام شده توسط دولت مذکور ایجاد هیچگونه حقی برای آن دولت نمیکند.³⁶

شورای امنیت سازمان ملل متحد:

انحراف مسیر رودها در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز مطرح گردیده است. پس از اینکه اسرائیل مسیر آبهای رود اردن را به سوی صحرای «نگوه» تغییر داد، سوریه به شورای امنیت شکایت کرد. شورا در تصمیم مورخ 1953 خود هرچند به‌صراحت به تغییر مسیر آبهای رود اردن اشاره‌ای نکرده، اما اقدامات اسرائیل را

36. W. E. Ken Wortly: Joint Development of Int'l Waters, American Journal of Int'l Law, Vol. 24 (1960) p.. 596-602.

در ساحل غربی رود اردن محکوم نموده است.

سایر سازمانها :

همچنین قطعنامه مربوطه اصول حقوقی حاکم بر مصرف آبها و دریاچه‌های بین‌المللی مصوب اتحادیه لنگرگاه‌های داخل آمریکا در بوئنوس آیرس در سال 1957 و نیز طرح کنوانسیون مربوطه مصرف صنعتی و کشاورزی رودخانه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی مصوب سازمان کشورهای امریکایی در سال 1965 صراحت دارد که هیچ کشوری حق ندارد به‌طور یکجانبه به تهیه طرح و اجرای پروژه‌ها بر روی این نوع رودخانه‌ها بپردازد و بدون جلب نظر و توافق با سایر دولتهای ذی‌نفع در این مورد اقدامی به‌عمل آورد مگر اینکه کلیه عواقب ناشی از اجرای اینگونه طرحها را تقبل نماید، و در این صورت، سایر کشورهای ذی‌نفع هیچ‌گونه تعهد و الزامی نسبت به کشور مذکور نخواهد داشت.³⁷

37. اداره کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه: رژیم حقوقی رودخانه‌های مرکزی و بین‌المللی، بهمن 1362، ص 17.

به طور کلی، بر اساس مقررات و اصول حقوق بین‌الملل، انحراف جریان آب رودخانه‌ها توسط دولت بالادست رودخانه به زیان دولت پایین‌دست رودخانه ممنوع است و «هیچ دولتی اجازه ندارد شرایط طبیعی سرزمین خود را به زیان دولت همسایه خود تغییر دهد».³⁸

به موجب مقررات حقوق بین‌الملل، دولتی که با دولتی دیگر ساحل‌نشین یک رودخانه است، نسبت به طرحی که ممکن است موجب وارد شدن خسارت و زیان به او گردد، حق وتو دارد. چنین دولتی حق دارد با هر تغییری که در وضع موجود در رودخانه³⁹ صورت بگیرد، مخالفت کند. یکی از موارد کاربرد این نظریه، در دعوای بین بولیوی و شیلی در مورد رودخانه مامور⁴⁰ در سال 1921 بود.

4

نظر عراق در مورد تغییر مسیر رودهای بین‌المللی

38. W. E. Hall: Int'l Law, Pearce Higgins, Oxford, 1924, p. 175.

39. Statu quo.

40. Mamore.

از طرف دیگر، موضعی که دولت عراق قبلاً در قبال تغییر مسیر رودهای بین‌المللی اتخاذ کرده است با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل مطابقت دارد. دولت عراق بارها مخالفت خود را با تغییر مسیر رودهای بین‌المللی نشان داده است.

دولتین عراق و پاکستان موضوع حقوق رودخانه‌های بین‌المللی را برای نخستین بار در دستور کار هشتمین اجلاس سالانه کمیته حقوقی مشورتی آسیایی و افریقایی منعقد شده در بانکوک در سال 1966 قرار دادند. دولت عراق ادعا می‌کرد که سوریه و ترکیه با انحراف دو رود دجله و فرات زیان‌هایی به آن کشور وارد کرده‌اند. پاکستان نیز دولت هند را متهم به تغییر مسیر رود گنگ به سوی کلکته می‌کرد، و در نتیجه، هر دو کشور خواستار تدوین مقررات مربوط به استفاده از آب رودخانه‌های بین‌المللی بودند تا به این طریق کشورهای مذکور را از تغییر مسیر آب رودخانه‌ها و کاهش میزان آب وارده به کشورهای خود بازدارند.

عراق و پاکستان يك بار در سال 1969 به‌طور جداگانه و يك بار نيز در سال 1970 به اتفاق يکديگر طرح مشترکي در مورد تدوين نظام حقيقي رودخانه‌هاي بين‌المللي به کميته مذکور پيشنهاده کردند که هر دو بار با مخالفت دولت هند روبرو شد و به نتيجه نرسيد.

دولت عراق همچنين در سال 1960 دولت ايران را متهم به برگرداندن آب رودخانه‌هايي که از ايران سرچشمه مي‌گيرند و وارد خاک عراق مي‌شوند، نمود. لازم به يادآوري است که در طول مرز ايران و عراق، از خانه تا رود خين، 33 رود از خاک ايران سرچشمه مي‌گيرند و وارد خاک عراق مي‌شوند. عراق ادعا کرده بود که ايران مسير رودهاي کنگر، کنجان‌چم و الوند را تغيير داده و با اين اقدام خود زيانهائي به آن کشور وارد کرده است. دولت عراق اين امر را مغاير با صورتجلسات 1914 و موازين بين‌المللي اعلام کرده بود.

بايد اشاره کرد که دولت ايران در همان زمان اعلام داشت که عملي برخلاف مندرجات صورتجلسات کميسيون تحديد حدود

1914 انجام نداده و به هیچ‌وجه «قصدها» تزییح حق همسایه خود عراق را نداشته و با توجه به نیازهای خود به آب برای کشاورزی و بهبود سیستم آبیاری، حاضر است کلیه اختلافات موجود بین دو کشور را به‌نحوی که مورد رضایت دو طرف باشد، حل و فصل نماید».

باید افزود که ایران به هیچ‌وجه مسیر رودهای مذکور را به‌نحوی که عراق در نظر دارد در مورد اروندرود انجام دهد، تغییر نداده بود. به همین جهت در اینجا مقایسه مسئله رودهای مذکور با طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود نیست، بلکه بیان مواضع عراق در قبال تغییر مسیر رودهای بین‌المللی است. در این خصوص در کتابی که وزارت امور خارجه عراق تحت عنوان «حقایق درباره مرزهای ایران و عراق» در سال 1960 انتشار داد، آمده است:

«هیچ دولتی بدون عقد قرارداد قانونی خاص و بدون موافقت دول دیگر مشترک در آبهای یک رودخانه بین‌المللی حق ندارد مسیر آن را تغییر دهد یا آبهای آن را به‌نحوی که نسبت به دول ذی‌علاقه دیگر

زیان داشته باشد مورد استفاده قرار دهد».

«یکی از اموری که به صورت يك قاعده بین المللی ثابت و مورد اعتراف درآمده آن است که هیچ دولتی حق ندارد در وضع طبیعی کشور خود تغییری بدهد که نسبت به وضع طبیعی خاک دولت همجوار آن زیان داشته باشد».

«به موجب این قواعد و اصول بین المللی نه تنها دولت‌ها از متوقف نمودن یا تغییر مسیر آب رودخانه‌ای که از خاک آنها می‌گذرد و از مرزهای آنها گذشته، وارد خاک دولت دیگری می‌گردد ممنوع هستند بلکه علاوه بر این از استفاده از آبهای این رودخانه‌ها به نحوی که موجب زیان دولت همجوارشان شود یا مانع استفاده مناسب آن دولت از آبهای آن قسمت از رودخانه که در اراضی آن جریان دارد گردد نیز ممنوع می‌باشند».

به این ترتیب، دولت عراق مخالفت خود را با تغییر مسیر رودهای بین المللی اعلام کرده است. بنابراین دولت عراق نمی‌تواند در قبال طرح تغییر مسیر

اروندروود موضعي اتخاذ كند كه برخلاف موضع قبلي او باشد. دولت عراق كه دولتهاي تركيه، سوريه و ايران را متهم به انحراف آب رودخانه هاي بين المللي مي نمايد و اين اقدام را برخلاف موازين بين المللي مي داند، قاعدتاً نبايد خود به اين گونه اقدامات مبادرت ورزد. ما با اين نظر دولت عراق موافقيم كه: «كاملاً خلاف منطق است كه دولتي در قبال دولتهاي ديگر منكر حقي گردد كه خود به نظير آن يا حتي به ضعيفتر از آن تشبث مي جويد».

5

استناد به وجود وضع ضروري

همچنين استناد دولت عراق به وجود وضع ضروري⁴¹ براي تغيير مسير اروندروود از نظر اصول و مقررات حقوق بين الملل قابل قبول نيست. مقامات عراقي بارها اظهار داشته اند كه ايران داراي چندين هزار كيلومتر ساحل در خليج فارس با بنادر آب عميق و اسكله هاي فراوان است و به ادعاي آنها نيازي به استفاده از

41. State of necessity.

اروندروود ندارد. در حالی که بنابر اظهارات آنها اروندروود تنها راه دسترسی عراق به خلیج فارس است و ضروری است که این آبراه هرچه سریع‌تر لایروبی و برای رفت و آمد کشتی‌ها بازگشایی شود.

همانطور که گفته شد عراق نیاز شدیدی به اروندروود و بازگشایی آن ندارد. تا اوایل دهه 1960 اروندروود از نظر اقتصادی برای عراق سخت حائز اهمیت بود و بندر بصره در اروندروود مهمترین بندر بازرگانی عراق به‌شمار می‌رفت؛ اما از اواسط دهه مذکور با توسعه بندر فاو در ایجاد اسکله‌های البکر و الامیه در خلیج فارس و توسعه بندر ام القصر در غرب اروند رود، به‌تدریج از اهمیت اقتصادی اروندروود برای عراق کاسته شد. از آن پس نفت عراق به جای بندر بصره از طریق پایانه‌های بندر وفا به خارج صادر می‌شد. در پایانه‌های بندر مذکور نفتکشهایی با ظرفیت 100 هزار تن می‌توانستند پهلو بگیرند، در حالی که در اسکله‌های بندر بصره کشتی‌هایی با بیش از 20 هزار تن ظرفیت نمی‌توانستند لنگر بیندازند. از نظر بازرگانی نیز دولت

عراق از سال 1967 بندر ام‌القصر را مورد استفاده قرار داد و به این ترتیب، بندر بصره نقش خود را به‌عنوان مهمترین بندر بازرگانی عراق از دست داد و استفاده از اروندرود بیش از پیش کاهش یافت.⁴² در حال حاضر نیز - همانطور که گفته شد - عراق نفت خود را از طریق چند خط لوله صادر می‌کند و بیشتر کالاهای مورد نیاز آن کشور نیز از طریق خاک اردن، ترکیه و کویت وارد می‌شود. بنابراین دولت عراق نیاز شدیدی به اروندرود ندارد و استناد آن کشور به وجود وضع ضروری کاملاً بی‌مورد است.

از طرف دیگر، هدف دولت عراق از طریق لایروبی اروندرود - آن هم در خارج از چارچوب قطعنامه 598 - به منظور لطمه زدن به اعتبار عهدنامه 1975 و اشکال‌تراشی در اجرای قطعنامه مذکور است. اگر عراق دست از سیاست طفره و تعلل خود بردارد، مذاکرات صلح بخوبی پیشرفت خواهد کرد و در نتیجه اروندرود نیز به‌موقع و در چارچوب مفاد عهدنامه

42. دکتر اصغر جعفری ولدانی: «اهمیت استراتژیکی اروندرود و پیشینه تاریخی آن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال اول، شماره 10، 29 تیرماه 1366، ص 9.

1975 لایروبی خواهد شد. دولت ایران هم به کرات اعلام نموده است که با لایروبی اروندرود در چارچوب عهدنامه مذکور و در موقع خود هیچ‌گونه مخالفتی ندارد. علاوه بر آن، حقوق بین‌الملل استناد به وضع ضروری را محدود به شرایطی کرده است:

1. استناد به وضع ضروری در مواردی قابل قبول است که منافع حیاتی یک کشور مورد تهدید جدی قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر، باید خطر به اندازه‌ای مهم و جدی باشد که استناد به وضع ضروری را توجیه نماید.⁴³ بسته بودن اروندرود هرگز منافع حیاتی عراق را به‌طور جدی به‌خطر نینداخته است.

2. استناد به وضع ضروری به هیچ‌وجه نباید موجب از بین رفتن منافع حیاتی یا منافع مهمتر کشور دیگر شود. بنابراین دولت عراق نمی‌تواند با استناد به حفظ منافع حیاتی خود، منافع حیاتی ایران را به‌خطر اندازد. به عبارت دیگر، در این

43. باوند: همان مأخذ، ص 7.

مورد باید اصل تناسب⁴⁴ دقیقاً رعایت شود.

3. توسل به وضع ضروري در مواردی مانند حفظ موجودیت و بقای کشور، حفظ منافع اقتصادی و یا حفظ محیط زیست می‌تواند مطرح گردد. بسته بودن اروندرود به هیچ‌وجه موجودیت و بقای کشور عراق را مورد تهدید قرار نداده است. علاوه بر آن - به‌طوری‌که گفته شد- اروندرود از نظر اقتصادی برای عراق دیگر اهمیت سابق خود را ندارد. بسته بودن اروندرود مانع دسترسی عراق به خلیج فارس نیست. عراق در حال حاضر از طریق خور زبیر و بندر ام القصر به خلیج فارس دسترسی دارد و نفت خود را از طریق مذکور و نیز خطوط لوله نفت صادر می‌کند؛ پس بسته بودن اروندرود به هیچ‌وجه به منافع اقتصادی عراق لطمه‌ای جدی وارد نمی‌سازد. همچنین بسته بودن اروندرود تأثیری بر محیط زیست (اکولوژی) نداشته و ندارد. بنابراین دولت عراق نمی‌تواند موارد مذکور را مستندی برای توسل به وضع ضروري قرار دهد.

44. Proportinality.

4. از همه مهمتر در صورتی که دولت مدعی خود مسبب پیدایش وضع ضروری باشد، امکان استناد به آن وجود ندارد. دولت عراق با لغو عهدنامه مرزی 1975 و تجاوز به ایران و پیآمدهای آن مانند غرق کشتی‌های بازرگانی و ناوچه‌های جنگی در اروندرود، خود سبب پیدایش وضعی که ضروری می‌نامد و عدم استفاده از اروندرود بوده است.⁴⁵

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود نه تنها مغایر با عهدنامه مرزی و حسن همجواری 1975 بین ایران و عراق بلکه ناقض اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز می‌باشد. به موجب مقررات و اصول حقوق بین‌الملل، طرح مذکور در صورت اجرا برای آن دولت مسئولیت بین‌المللی ایجاد خواهد نمود و دولت عراق مکلف به اعاده وضع اروندرود به حالت سابق آن (قبل از تغییر مسیر) و یا پرداخت غرامت و خسارت به ایران خواهد بود. از طرف دیگر، دولت ایران

45. باوند: همان مأخذ، ص 7 و 8 .

نیز به موجب مقررات حقوق بین‌الملل می‌تواند برای اعاده وضع کامل اروندرود به حالت سابق آن، دست به انجام اقدامات مناسب بزند. دولت ایران همان‌طور که تاکنون مواضع مستند و قانونی خود را با قاطعیت حفظ کرده و بر آنها اصرار ورزیده است، باید در صورت طرح این مسئله توسط دولت عراق، در مذاکرات صلح قویاً بر این نکته تأکید کند که هیچ‌گونه تغییری را در خطوط مرزی خود نخواهد پذیرفت و از منافع اساسی خویش به هر نحو دفاع خواهد کرد.⁴⁶

46. روزنامه اطلاعات، 21 مهر 1367.